Tester
رسانه آموزشی تستر
ویژه کنکور ۱۴۰۰

دفترچه پاسخ عمومی

پایه دوازدهم- آزمون شماره ۷

(۳۰ مهر و ۱ آبان ۱۳۹۹)

عنوان دروس، تعداد سؤالات و مدت پاسخگویی

عنوان درس	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
زبان و ادبیات فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
فرهنگ و معارف اسلامی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه
				۷۵ دقیقه

طراحان آزمون (به ترتیب حروف الفبا)

عنوان درس	طراحان	مسئول درس	ویراستار
زبان و ادبیات فارسی	امیر افضلی- علیرضا جعفری - شاهین شاهین‌زاد	امیر افضلی	علی احمدی
زبان عربی	بهروز حیدربکی - میثم شریفی - سعید علیزاده - کاظم غلامی - میثم فلاح - جمال هاشمی	میثم فلاح	محمدعلی جنانی
فرهنگ و معارف اسلامی	مرتضی محسنی کبیر	مرتضی محسنی کبیر	محمدابراهیم مازنی
زبان انگلیسی	روزبه شهلایی	روزبه شهلایی	حمید میرزایی

آزمون‌های آنلاین تستر
Testeredu_ir
Testeredu.ir

۱- **گزینهٔ «۱»**

آخُره: چنبرهٔ گردن، قوس زیر گردن / تَسلّا: آرامش یافتن / طَرَب: شادی / کَید: حیله و فریب

۲- **گزینهٔ «۳»**

معانی درست:

تزویر (اسم): نیرنگ، دورویی، ریاکاری

پایمرد: شفیع، شفاعت‌کننده، میانجی، واسطه، دستیار

صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر

۳- **گزینهٔ «۲»**

دو مورد نادرست است: خمّار: می فروش / دارِ ملک: سرزمین

سایر گزینه‌ها یک مورد نادرست

۱) درهم: مسکوک نقره ۳) دینار: مسکوک طلا ۴) واعظ: اندرزگو

۴- **گزینهٔ «۴»**

غلط رسم‌الخطّی: تازه‌گی ← تازگی

غلط‌های املایی:

عغاب ← عقاب؛ به معنی عذاب و شکنجه و جزای بدی؛ هم‌خانواده با عقوبت

صواب ← ثواب؛ متضاد عقاب است و به معنی پاداش و جزای خیر

خوانیّت ← خانیّت؛ به معنی خان بودن

۵- **گزینهٔ «۳»**

۱) رمیدن از دریا (بحر)

۲) با بندگی، نزدیکی (قربت) میسر شود

۴) درست (صواب) از خطا پیدا کند.

۶- **گزینهٔ «۱»**

غوث یعنی فریادرس، فریادرسی، یاری این واژه، هم‌آوا با «قوس» و هم‌ریشه با «غیاث» (فریادرس) است.

غلط‌های املایی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): با توجّه به قرینهٔ «آصف» که وزیر حضرت سلیمان بوده است، اینجا سرزمین «سبا» منظور است.

گزینهٔ (۳): وقتی صحبت از میثاق و شکستن توبه‌ها است، مسلماً «نقض» (شکستن عهد) درست است.

گزینهٔ (۴): در اینجا «قِصّه» درست است: داستان سوز درون خودم را با مردم در میان ننهادم.

۷- **گزینهٔ «۳»**

شعر آی آدم‌ها سرودهٔ نیمایوشیج است.

۸- **گزینهٔ «۴»**

در این گزینه فقط واژهٔ «گل» مجاز از بهار است.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱): فردا مجاز از آینده، چمن مجاز از باغ و گلزار

(۲): خاک دوم مجاز از گور، خدنگ مجاز از تیری که از چوب خدنگ ساخته شده است.

(۳): شهر مجاز از مردم شهر، زر مجاز از مال و ثروت

۹- **گزینهٔ «۲»**

تشبیه: «سمن‌بر» تشبیه درون‌واژه‌ای دارد: اندامی که به زیبایی گل یاسمن است.

استعاره: سنبل استعاره از مو و نرگس استعاره از چشم معنی مصراع دوم: موهایش جلوی چشمش را گرفته بود.

جناس: شاه و راه

کنایه: راه را بر چیزی بستن: مانع شدن، سد شدن

واج‌آرایی: تکرار واج «س» و «ب»

مراعات نظیر: سمن، سنبل، نرگس

۱۰- **گزینهٔ «۴»**

در این بیت، حیوان در مقابل آدمی قرار گرفته و تضاد دارند. مجاز ندارد و «عالم» به عنوان دام به کار رفته است؛ عالم طفلی همان حال و هوا و فضای کودکی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): تلمیح: گندم و جنّت یادآور ماجرای حضرت آدم در بهشت است. به قول حافظ: پدرم روضهٔ رضوان به دو گندم بفروخت...

ایهام تناسب: تنگ در معنی باریک و مقابل گشاد به کار رفته معنای غایبش «لنگهٔ بار شکر» است که به آن نیز «تنگ» می‌گفتند و تناسب دارد با شکر.

گزینهٔ (۲): حسن تعلیل: علّت رویش گل و لاله در پای درخت سرو این است که درخت سرو از نظر بلندی قامت شباهتی به معشوق دارد و گل‌ها را دلبستهٔ خود کرده است.

تشبیه: تشابه درخت سرو به قامت یار

گزینهٔ (۳): جناس ناهمسان: مِهر و مُهر کنایه: مُهر بر دهان داشتن ← سکوت

۱۱- **گزینهٔ «۱»**

د) لعل $\xleftarrow[\text{شباهت}]{\text{جایگزین}}$ لب ⇐ استعاره

الف) است ≠ نیست ⇐ تضاد

ب) مدام ← پیوسته / شراب معنای غیرقابل قبول (متناسب با خمار و مخمور) } ⇐ ایهام تناسب

ج) بلبل طبع ⇐ تشبیه

۱۲- **گزینهٔ «۳»**

برای هر کسی این گفتار وجود ندارد؛ عودِ ناسوخته بوی ندارد.

متمّم نهاد فعل غیر اسنادی صفت مفعول

۱۳- **گزینهٔ «۴»**

حذف به قرینهٔ معنوی: پارسایان (منادا)، مددی[کنید] (حذف فعل)

حذف به قرینهٔ لفظی: [شما] مددی کنید، [من] خوش و آسان بروم (حذف نهاد جدا به سبب وجود شناسه)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱): حذف به قرینهٔ لفظی: گرچه [دنیا] در بیرون نقش و نگار دارد (حذف نهاد جدا به سبب تکراری بودن) / حذف به قرینهٔ معنوی: ندارد

(۲): هیچ حذفی ندارد. (جمله را مرتب کنید!!!)

(۳): حذف به قرینهٔ معنوی: صنما (منادا) / حذف به قرینهٔ لفظی: ندارد.

۱۴- **گزینهٔ «۱»**

آن که خاطر پیش منظوری ندارد، میان عارفان، صاحب‌نظر نیست

مسند فعل اسنادی

در سه گزینهٔ دیگر، این فعل غیر اسنادی است و معنای «وجود ندارد» می‌دهد:

گزینهٔ (۲): برای من اقتدار وجود ندارد = من اقتدار ندارم

نهاد فعل غیر اسنادی

گزینهٔ (۳): هر که در این حلقه وجود ندارد...

گزینهٔ (۴): در همه عالم به اتّفاق، آرام (=آرامش) وجود ندارد.

۱۵- **گزینهٔ «۳»**

نمی‌دانم که باز، چه کسی تو را از سر پیمان ما برد: مفعول

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): گرم تیغ زنی: اگر به من تیغ بزنی: متمّم

گزینهٔ (۲): درودت بفرستم: به تو درود بفرستم: متمّم

گزینهٔ (۴): بارم ده: به من بار بده = به من اجازهٔ ورود بده: متمّم

۱۶- **گزینهٔ «۴»**

طاق نقش «نهاد» دارد و «منادا» محذوف است.

۱) آسِمان- آسْمان

۲) گشته [است]= شده [است]: فعل اسنادی

۳) پس از جابه‌جایی «گشته»: [منادا]، نهاد، قید، مسند، فعل: شیوهٔ عادی

و ای طاق آسمانی محراب ابرویت، پیوسته، خوابگه جادوان مست گشته.

۱۷- **گزینهٔ «۴»**

گله‌مندی از زمانه و جامعه‌ای که قدر فرهیختگان خود را نمی‌داند در سؤال و گزینهٔ (۴) دیده می‌شود. در متن سؤال، منظور از مروارید، نیما یوشیج است که در زمانه‌ای نامساعد زندگی می‌کرد.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): فراغت از دغدغه‌های دنیایی

گزینهٔ (۲): اثرگذار و مقبول بودن شعر به خاطر سوز و گداز دل شاعر

گزینهٔ (۳): خودستایی شاعر

۱۸- **گزینهٔ «۲»**

قدم مجاز یعنی قدمی ناراست و غیرحقیقی. عاشق باید بلاکش باشد. کسی که از بلا بترسد، وفا و عهد او راستین نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): خداوند، تدبیرهای بنده را خنثی می‌کند پس بنده در مقابل ارادهٔ خداوند عاجز است.

گزینهٔ (۳): عاشق امیدی به کامروا شدن ندارد و به این که نامش را معشوق بر زبان بیاورد راضی است.

گزینهٔ (۴): کسی که درویشی و فقر و از دنیا بریدن را پیشهٔ خود ساخته، از گزند حوادث در امان است.

۱۹- **گزینهٔ «۴»**

در گزینهٔ (۱)، درون بر ظاهر ترجیح داده شده و در ادامهٔ همین مفهوم، گزینه‌های (۲) و (۳) نیز آراستگی ظاهری و تهی بودن درون را نکوهش کرده‌اند.

مفهوم گزینهٔ (۴): ظرفیت متفاوت پدیده‌ها تفاوت‌های درونی پدیده‌ها با وجود شباهت‌های ظاهری

۲۰- **گزینهٔ «۴»**

هر سه بیت به مفهوم واحد «پیوستن به معشوق و گسستن از دیگران» اشاره دارند.

مفاهیم سایر ابیات:

الف) باید غم و اندوه را کنار گذاشت و به سراغ شادی و نشاط رفت.

ب) علی رغم اینکه سایرین به تو بی‌وفایی کردند و به تو وفادار نماندند اما من به تو وفادارم.

د) حتی اگر هزار بار دلم را بشکنی و بی‌وفایی کنی، من به تو وفادار می مانم.

در ابیات «ب» و «د» اشاره‌ای به مفهوم گسستن از دیگران نشده است.

۲۱- **گزینهٔ «۱»**

بخشی از بیت سؤال می‌گوید: همه کمّی تو فزایی یعنی خداوند به بعضی بندگانش عزّت می‌دهد و رتبه‌شان را بالا می‌برد. در گزینهٔ (۱) نیز حضرت موسی که مدّتی شبان (چوپان) بود، به خواست حق تعالی به مقام نبوّت می‌رسد: تعزّ من تشاء (عزیز می‌گردانی هرکس را که بخواهی)

مفهوم سایر ابیات:

گزینهٔ (۲): برای عاشق، خوار و ذلیل شدن در راه عشق ارزشمند است.

گزینهٔ (۳): جسم و جان با یکدیگر در تقابل هستند اگر می‌خواهی جانت به کمال برسد، باید از جسم و تعلّقات جسمانی چشم بپوشی.

گزینهٔ (۴): خداوند، نگهدارندهٔ آسمان و زمین و حسابرس روز قیامت است.

۲۲- گزینهٔ «۲»

«ب»: با وجود نعمت فراوان، گله‌مند بودن: ناسپاسی

«ج»: خداوند با رحمت عام و فراگیرش، گنهکاران را بی‌آبرو نمی‌کند: عیب‌پوشی

«د»: حتی عنکبوت هم بی‌بهره از رزق و روزی نیست؛ طعمه‌اش پرواز می‌کند و در دام می‌افتد: برخوردار کردن از نعمت

«الف»: من درحدی نیستم که بتوانم او را وصف کنم؛ آیینه با دیدن او حیرت می‌کند و نمی‌تواند انعکاس جلوهٔ او باشد: ناتوانی از وصف

۲۳- گزینهٔ «۴»

در این مناظره غفلت و فسادِ محتسب و جواب‌های آگاهانهٔ مست را می‌بینیم.

۱) این که خود به حساب اعمال خود رسیدگی کنی بهتر است تا به دیگری سپرده شود.

۲) گدای در خالق باش نه مخلوق

۳) مژده بابت تغییر شرایط نامطلوب

۲۴- گزینهٔ «۳»

از بیت سؤال دو مفهوم دریافت می‌شود:

الف) دلپذیری غم عشق چون عاشقان اندوه را می‌خرند و خواهان آن هستند.

ب) جانبازی عاشقان چون جانشان را به حراج می‌گذارند و می‌فروشند.

برای مفهوم «ب» بیتی نداریم اما در گزینهٔ (۳) عاشق، غم نگار را مایهٔ سرور می‌داند و غمش را خواهان است بنابراین با «اندوه خرند» ارتباط مفهومی دارد.

مفهوم سایر ابیات:

گزینهٔ (۱): وفاداری عاشق

گزینهٔ (۲): جانگداز بودن درد فراق

گزینهٔ (۴): خوش‌باشی و تسلیم غم نشدن

۲۵- گزینه «۴»

تلاش برای رسیدن به مرتبهٔ بالاتر در عرفان مفهوم مشترک هردو بیت است که در ادامهٔ هم سروده شده‌اند.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱): ارزش بخشی عشق الهی به هر چیز

(۲) و (۳): توکل به خدا

۲۶- **گزینه «۲»**

فعل «یُقاتلونَ» یک فعل مضارع ساده می‌باشد ولی در گزینه «۳» فعل «نبرد می‌کردند» ماضی استمراری آمده و غلط است.
[ردّ گزینه «۳»]

عبارت «فی سبیله» به معنای «در راهش» در گزینه‌های «۱» و «۴» به درستی ترجمه نشده است. [ردّ گزینه‌های «۱» و «۴»]

فعل «یُحِبُّ» به معنای «دوست می‌دارد – دوست دارد» در گزینه «۴» به درستی ترجمه نشده است. [ردّ گزینه «۴»]

جعبهٔ آموزشی:

کلمهٔ «إنَّ» به معنای «قطعاً – حتماً – بی‌شک – بی‌گمان – هر آینه – بی‌تردید – مسلّماً ...» قید تأکیدی است ولی اگر ترجمه نشود هم اشکالی ندارد.

۲۷- **گزینه «۴»**

کلمهٔ «هذا» به معنای «این» در گزینه «۱» ترجمه نشده است. [ردّ گزینه «۱»]

فعل «إنتَشَرَ» به معنای «پخش شد – منتشر شد» می‌باشد ولی در گزینه‌های «۲» و «۳» به اشتباه ترجمه شده است. [ردّ گزینه‌های «۲» و «۳»]

چون بعد از کلمهٔ «کلّ» اسم معرفه آمده «کلّ» را «همه – تمام – سراسر» ترجمه می‌کنیم. [ردّ گزینه «۳»]

کلمهٔ «العالَم» به معنای «جهان – دنیا» می‌باشد ولی در گزینه‌های «۲» و «۳»، «جا – جایی» غلط است. [ردّ گزینه‌های «۲» و «۳»]

جعبهٔ آموزشی:

۱- اگر صفت، اسم جمع باشد مفرد ترجمه می‌شود.

العلماء الکبار ← دانشمندان بزرگ

موصوف صفت جمع — مفرد

۲- نَشَرَ ← پخش کرد ، إنتَشَرَ ← پخش شد

۲۸- **گزینه «۳»**

فعل «إبتَدَأَتِ» مفرد مؤنث غایب است در اصل «ابتدأتْ» آخرش ساکن بوده چون به اسم «ال‌دار» برخورد کرده کسرهٔ عارضی گرفته است، پس به معنای «شروع شد» می‌باشد. ولی در گزینه «۲» به صورت مخاطب «آغاز کردی» ترجمه شده و اشتباه است.
[ردّ گزینه «۲»]

قبل از کلمهٔ «القوم» ، «ذلک» وجود ندارد ولی در گزینه‌های «۱» و «۴»، «آن» آورده و اشتباه است. [ردّ گزینه‌های «۱» و «۴»]

کلمهٔ «رجلٌ» اسم نکره است ولی در گزینه‌های «۱» و «۴» ، «مرد» را معرفه آورده است. [ردّ گزینه‌های «۱» و «۴»]

کلمه «قرابینه» یک اسم جمع با ضمیر به معنای «قربانی‌هایش» می‌باشد ولی در گزینه «۱» به صورت مفرد و در گزینه «۴» بدون ضمیر آمده است. [ردّ گزینه‌های «۱» و «۴»]

نکته:

بدأ ← شروع کرد ، إبتَدَأَ ← شروع شد

۲۹- **گزینه «۴»**

فعل «کان ... یَظُنُّ» ماضی استمراری است ولی در گزینه «۳»، «گمان کرده بود» ماضی بعید است. [ردّ گزینه «۳»]

کلمهٔ «الأصغر» بر وزن «أفعل» اسم تفضیل به معنای «کوچک‌تر» است ولی در گزینه «۱»، «کوچک» غلط است؛ زیرا «کوچک» به عربی «الصغیر» می‌باشد. [ردّ گزینه «۱»]

کلمهٔ «أو» به معنای «یا» می‌باشد ولی در گزینه «۲» به معنای «و» آمده که اشتباه است. [ردّ گزینه «۲»]

کلمهٔ «الآخرین» به معنای «دیگران» است نه «آیندگان». [ردّ گزینه «۱»]

۳۰- **گزینه «۱»**

فعل «تذکّرتُ» فعل ماضی متکلم وحده از باب تفعُّل است که در گزینه «۲»، «به خاطرم آمد» غایب است نه متکلم وحده. [ردّ گزینه «۲»]

قبل از «تصادم» کلمهٔ «ذلک» وجود ندارد ولی در گزینه‌های «۳» و «۴»، «آن» اضافی است. [ردّ گزینه‌های «۳» و «۴»]

فعل «قُلتُ» ماضی ساده به معنای «گفتم» است ولی در گزینه «۴»، «می‌گفتم» ماضی استمراری و غلط است. [ردّ گزینه «۴»]

قبل از «الطفل» کلمهٔ «ذلک» وجود ندارد ولی در گزینه‌های «۲»و«۴»، «آن» در «آن کودک» اضافی است. [ردّ گزینه‌های «۲»و«۴»]

جعبهٔ آموزشی:

هر گاه بعد از «لیتَ» فعل «ماضی» بیاید هم می‌توان آن را ماضی بعید و هم ماضی استمراری ترجمه کرد.

لیتَ ... عَبَرَ
- ای کاش ... عبور کرده بود. (ماضی بعید)
- ای کاش ... عبور می‌کرد. (ماضی استمراری)

۳۱- **گزینه «۱»**

کلمهٔ «لیتَ» به معنای «ای کاش – کاش» می‌باشد ولی در گزینه‌های «۲» و «۴» به صورت «شاید» ترجمه شده است که در عربی «لَعَلَّ» معنی «شاید» می‌دهد. [ردّ گزینه‌های «۲» و «۴»]

کلمهٔ «عزمی» به معنای «اراده‌ام» می‌باشد که در گزینه «۳»، «اراده» نیامده است. [ردّ گزینه «۳»]

فعل «کُنتُ أستطیعُ» ماضی استمراری است ولی در گزینه «۲» به اشتباه به صورت مضارع ساده «می‌توانم» و در گزینه «۴» اصلاً ترجمه نشده است. [ردّ گزینه‌های «۲» و «۴»]

کلمهٔ «عمل» یک اسم مفرد است ولی در گزینه «۴» به صورت جمع ترجمه شده است. [ردّ گزینه «۴»]

«أن» از حروف ناصبه است و فعل «أُواصل» باید به صورت مضارع التزامی «ادامه دهم» ترجمه شود ولی در گزینه «۴» به صورت مضارع اخباری «ادامه می‌دهم» ترجمه شده و غلط است. [ردّ گزینه «۴»]

چون «لَم» بر سر «تضعف» آمده آن را معادل ماضی منفی کرده و هر گاه بعد از «لیت» ماضی منفی بیاید هم می‌توان آن را ماضی بعید منفی «ضعیف نکرده بود» و هم ماضی استمراری منفی «ضعیف نمی‌کرد» ترجمه کرد ولی در گزینه‌های «۲» و «۴» اشتباه ترجمه شده است. [ردّ گزینه‌های «۲» و «۴»]

۳۲- **گزینه «۱»**

کلمهٔ «إنَّ» به معنای «همانا – قطعاً...» می‌باشد که اگر ترجمه نشود هم اشکالی ندارد. ولی در گزینه «۳» به اشتباه «اگر» معنی شده چون «اگر» به عربی «إنْ» می‌باشد. [ردّ گزینه «۳»]

چون بعد از اسم «ال‌دار: الانسان»، اسم موصول خاصّ «الّذی» آمده، «ال‌دار» را با «ی» و «الّذی» را باید «که» ترجمه کنیم (انسانی که) ولی در گزینه‌های «۲» و «۳» اشتباه آمده است. [ردّ گزینه‌های «۲» و «۳»]

فعل «سَتُصبِحُ» به معنای «خواهد شد» یک فعل مستقبل است ولی در گزینه‌های «۳» و «۴» به درستی ترجمه نشده است. [ردّ گزینه‌های «۳» و «۴»]

۳۳- **گزینه «۴»**

معین کن اشتباه را:

عبارت «مفاهیم بسیطة» چون «ال» ندارد نکره است ولی در فارسی‌اش «مفاهیم ساده» بدون «ی» آمده و معرفه است.

درست عبارت: مفاهیمی ساده – مفاهیم ساده‌ای

۳۴- گزینه «۴»

معین کن درست را:

اشتباه در سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱» : کلمهٔ «الأسماک» یک اسم جمع است ولی در این‌جا به اشتباه به صورت مفرد «ماهی» ترجمه شده است.

کلمهٔ «الاسماک» فاعل است و باید معنایش چنین باشند: می‌افتند ماهی‌ها بر زمین.

گزینه «۲» : «الثلوج» جمعِ «الثلج» یک اسم جمع به معنی «برف‌ها» است ولی در این‌جا مفرد ترجمه شده است.

گزینه «۳» : کلمهٔ «إنّی» به معنای «همانا من» می‌باشد ولی در این‌جا «ما» اشتباه است.

۳۵- گزینه «۱»

کلمهٔ «گردبادها» جمع است ولی در گزینه‌های «۳» و «۴»، «الإعصار» مفرد است. [ردّ گزینه‌های «۳» و «۴»]

فعل «می‌کشیدند» ماضی استمراری است ولی در گزینه‌های «۲» و «۴» فعل «تسحب» مضارع ساده است و قبلش «کانت» نیامده تا «ماضی استمراری» شود. [ردّ گزینه‌های «۲» و «۴»]

کلمهٔ «آب‌ها» جمع است ولی در گزینه‌های «۳» و «۴»، «الماء» مفرد است. [ردّ گزینه‌های «۳» و «۴»]

چون «المیاه» جمعِ غیرانسان است پس صفتش «المجاورة» باید مفرد مؤنث باشد. [ردّ گزینه «۲»]

ترجمه متن:

ما در کلاس نشسته بودیم و معلم درباره‌ی آداب سخن گفتن حرف می‌زد: ای دانش‌آموزان، آیا آداب سخن گفتن با دیگران را یاد گرفته‌اید؟ آیا می‌دانید که سخن شما شخصیت شما و کیفیت اندیشه شما را آشکار می‌کند؟ بدانید که مردم شما را با سخن‌تان می‌شناسند. به واژه‌های زیبای نیکو پایبند باشید و از هرگونه بدی دوری کنید و در موضوعاتی که علمی در آن ندارید دخالت نکنید زیرا کسی که از موضوعی حرف بزند که نمی‌شناسد خود را در معرض تمسخر و تهمت‌ها قرار می‌دهد. گاهی در زمان استراحت می‌بینم برخی از دانش‌آموزان صدای خود را بدون احترام روی هم‌کلاسی‌های خود بلند می‌کنند و گاهی آنان را با نام‌هایی لقب می‌دهند که دوست ندارند. شما باید بدانید که نرمی سخن محبت می‌آورد پس زبان‌های خود را به نرمی سخن عادت بدهید. همانا سخن مانند داروست که اگر آن را کم کنی سود می‌رساند و اگر زیادش کنی برایت ضرر می‌آورد. پس سخنت را کم کن تا سالم بمانی. و همه‌ی اینها رازهای وارد شدن در دلهای مردم است.

۳۶- گزینه «۲»

در متن دربارهٔ سلام کردن مطلبی گفته نشده است. ترجمه گزینه‌های عربی:

۱) انسان پشت زبانش پنهان شده است! (یعنی با حرف زدن شخصیتش معلوم می‌شود)

۲) سلام کردن پیش از سخن گفتن محبت مردم را برایت می‌آورد!

۳۷- گزینه «۳»

صورت سؤال: «چیزی را مشخص کن از رازهای وارد شدن به دل‌های دیگران نیست»

ترجمه‌ی گزینه‌ها: ۱) کم حرفی! / ۲) دوری کردن از کلمات زشت! / ۳) سلامتی عقل! /۴) عدم دخالت در چیزی که دانشی نداریم!

خط آخر متن آمده است که «همه‌ی این‌ها رازهای ...». طبق این جمله تمام مواردی که معلم بیان می‌کرد، جزء این رازها به شمار می‌آید مانند آنچه در گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴ آمده است اما در متن درباره‌ی سلامت عقل صحبتی نشده است.

۳۸- گزینه «۱»

صورت سؤال: «هر کس از آن‌چه نمی‌داند حرف بزند ...». ترجمه‌ی گزینه‌ها:

۱) خودش در خطر می‌افتد!

۲) خودش را در معرض تهمت‌ها قرار می‌دهد!

۳) مردم او را از دل‌های خود بیرون می‌کنند!

۴) دیگران به او لقب‌هایی می‌دهند که دوست ندارد!

طبق عبارت « من تکلّم عن موضوع لایعرفه فیعرّض نفسه للسخریّة و التّهم» می‌توان گزینه‌های «۲و۴» را تایید کرد و بر اساس جمله‌ی آخر متن می توانیم گزینه «۳» را هم تایید کنیم اما گزینه «۱» نمی‌تواند درست باشد.

۳۹- گزینه «۴»

«الصداقة فی الکلام» (در گزینه۱)، «سلامة الأبدان» (در گزینه۲) و «المداراة مع الأصدقاء» (در گزینه۳) در متن نیامده اند.

۴۰- گزینه «۴»

بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱) وزن تفعیل (این فعل بر وزن «تتفعّلوا» بوده لذا از باب تفعّل است نه تفعیل)

۲) فاعله «موضوعات» («موضوعات» مجرور به حرف جرّ است.)

۳) حروفه الزائدة: «ت،و» («واو» ضمیر و شناسه فعل است و جزء حروف زائد نیست.)

۴۱- گزینه «۱»

بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها:

۲) فعل ماض، للغائبین (با توجه به اینکه عین الفعلِ آن کسره دارد، فعل امر و للمخاطبین است.)

۳) من باب تفعّل (این فعل بر وزن «فعّلوا» و از باب تفعیل است.)

۴) فاعله «ألسنة» (با توجه به معنای عبارت «ألسنة» مفعول آن است.)

۴۲- گزینه «۲»

بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱) جمع سالم للمؤنث («أصوات» جمع مکسر است) – فاعل (طبق ترجمه عبارت، مفعول است نه فاعل)

۳) مفرده مؤنث (مفردِ آن «صوت» است که مؤنث نیست) – فاعل (مانند گزینه۱)

۴) حرف «التاء» زائد (حرف «ت» جزء حروف اصلی آن است: «ص و ت»)

۴۳- گزینه «۱»

خطاهای این گزینه:

حَدِّثَ (ماضی باب تفعیل است پس عین الفعل باید فتحه داشته باشد: حَدَّثَ) – الکافَرین (بر وزن فاعِل است: الکافِرین)

۴۴- گزینه «۳»

گزینه «۱» : قائد ← رهبر؛ رییس کشوری که به مسئولان دستور می‌دهد و آنان را برای انجام وظایفشان ارشاد می‌کند. (درست).

گزینه «۲» : صداع ← سردرد؛ دردی در سر است که انواع و دلایل مختلفی دارد. (درست)

گزینه «۳» : تعایش ← همزیستی؛ آشنا شدن بعضی با بعضی دیگر این تعریف «تعایش» نیست تعریف «تعارف» یعنی آشنا شدن است. (نادرست)

گزینه «۴» : الذکریات ← خاطره‌ها؛ آن‌چه که در گذشته اتفاق می‌افتد و در حافظه‌ها باقی می‌ماند. (درست)

۴۵- گزینه «۳»

گزینه «۱» : جمع آن بت‌ها و تندیسی از سنگ یا چوب یا آهن و وسیله‌ای برای عبادت خداوند است. (غلط قسمت آخر اشتباه است.)

گزینه «۲» : عبادت کردن بت می‌تواند انسان را از خرافات و گمراهی‌ها نجات دهد. (غلط)

گزینه «۳» : عبادت بت معمولاً در پرستش‌گاه‌ها است و آن‌جا مردم غیر خدا را می‌پرستند. (درست)

گزینه «۴» : عبادت بت‌ها مختص دوره‌های گذشته است و در عصر کنونی ما هیچ ملتی نیست که بت را بپرستد. (غلط)

۴۶- گزینه «۱»

معین کن فعلی که یک حرف زائد دارد:

فعل «أسرِعوا» یک فعل «امر» از باب «افعال» است و برای تشخیص حرف زائدش باید به صیغهٔ اول ماضی آن یعنی «أفعَلَ» نگاه کنیم که یک حرف زائد دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲» : «تنتقل» فعل مضارع از باب «افتعال» و دو حرف زائد دارد.

گزینه «۳» : فعل‌های «إصبِر» و «اُهجُر» دو فعل امر حاضر و ثلاثی مجردند و حرف زائد ندارند.

گزینه «۴» : فعل «إجلبی» فعل امر حاضر و ثلاثی مجرد است و حرف زائد ندارد.

کلمهٔ «تفتیش» درست است که از باب تفعیل است و باب «تفعیل» یک حرف زائد دارد ولی «تفتیش» فعل نیست و مصدر و اسم است و سوال از ما فعل خواسته است.

۴۷- گزینه «۳»

کلمهٔ «اُختای» در اصل «اُختان» بوده و چون مضاف به ضمیر «ی» شده نونش حذف شده است. چون «اُختان» به معنای «دو خواهر» مثنی مؤنث است پس فعل بعدش باید مثنی مؤنث غایب یعنی «تُسافران» بیاید.

و «أخوای» چون در اصل «أخَوانِ» بوده و مضاف به «ی» شده نونش حذف شده و چون «أخَوانِ» به معنای «دو برادر» مثنی مذکر است پس فعل بعدش باید مثنی مذکر غایب یعنی «یُسافرانِ» بیاید.

۴۸- گزینه «۲»

معین کن «لا» فرق کند در نوع و ترجمه:

«لا» در گزینه «۱» ، لای نفی جنس است چون بر سر اسم نکره «جهاد» آمده است.

ترجمه : جهاد کنید با نفس امّاره پس هیچ جهادی مانند جهاد نفس نیست.

کلمهٔ «ألاّ» در گزینه «۲» متشکل از «أن» ناصبه و «لا» نفی است چون هر گاه «لا» با حروف ناصبه بیاید حتماً «لا» نفی است.

«لا» در گزینه «۳» لای نفی جنس است چون بر سر اسم نکره «سبیل» آمده است.

ترجمه : هیچ راهی برای نجات تو نیست مگر اعتماد بر توانایی‌هایت!

«لا» در گزینه «۴» نیز لای نفی جنس است چون بر سر اسم نکره «صدق» آمده است.

ترجمه : پس هیچ صداقتی در سخنش نیست.

۴۹- **گزینه «۱»**

معین کن «ان» تأکید می‌کند معنی عبارت را:

برای تأکید جمله «إنّ» می‌آوریم که این کلمه بر سر اسم و در ابتدای جمله می‌آید و جواب صحیح گزینه «۱» می‌باشد چون «ان» بر سر اسم «النجاح» و در ابتدای جمله آمده است پس «إنّ» است.

در گزینه «۲» چون «ان» بر سر اسم «ابراهیم» آمده و در وسط جمله است «أَنَّ» می‌خوانیم و برای ربط بین جملات می‌آید.

در گزینه «۳» چون «ان» بر سر فعل آمده و در ابتدای جمله است [بعد از «ف» اول جمله می‌باشد.] پس «إنْ» می‌خوانیم که از ادات شرط است.

و در گزینه «۴» چون «ان» بر سر فعل آمده و در وسط جمله است «أَنْ» می‌خوانیم و از حروف ناصبه است.

خلاصه : إنّ ← اول جمله بر سر اسم } از حروف مشبهة بالفعل
أَنَّ ← وسط جمله بر سر اسم

إنْ ← اول جمله بر سر فعل : حرف شرط

أَنْ ← وسط جمله بر سر فعل : از حروف ناصبه

۵۰- **گزینه «۴»**

معین کن آن‌چه دلالت بر تشبیه دارد:

برای بیان تشبیه از کلمهٔ «کَأَنَّ» استفاده می‌شود.

کَأَنَّ : گویی – مثل این‌که - انگار

۵۱- گزینه «۴»

شناخت ذات (چیستی و ماهیت) خداوند ناممکن است، همان طور که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: « ...لا تفکروا فی ذات الله»، (ص ۱۲ و ۱۳ درس ۱ دوازدهم)

۵۲- گزینه «۳»

آیهٔ شریفهٔ ﴿یسأله مَن فی السماوات و الارض کلّ یوم هو فی شأن﴾: «هر آن چه در آسمان‌ها و زمین است، پیوسته از او درخواست می‌کند. او همواره دست‌اندرکار امری است.» به این نکته اشاره دارد که خداوند جهان را اداره (مدیریت) می‌کند و به سوی مقصدی معین، هدایت می‌کند و این مورد، مؤید توحید در ربوبیت است. (ص ۱۰ و ۲۰ درس ۱ و ۲ دوازدهم)

۵۳- گزینه «۴»

در پاسخ کافران که می‌گویند: ﴿و قالوا ما هی الّا حیاتنا الدنیا﴾: «[کافران] گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی نیست» می توان از آیهٔ شریفه ﴿افحسبتم انّما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لاترجعون﴾ بهره جست زیرا این آیه بیان می‌کند که حیات انسان منحصر به حیات دنیوی نیست، بلکه حیات اخروی در این آیه به صورت استفهام انکاری مورد تأکید قرار گرفته است. (ص ۴۴ و ۵۷ درس ۳ و ۴ دهم)

۵۴- گزینه «۲»

قرآن برای این که قدرت خدا را به صورت محسوس‌تری در زمینهٔ امکان معاد و برپایی آن نشان دهد، ماجراهایی را نقل می‌کند که در آن‌ها به ارادهٔ خداوند مردگانی زنده شده اند؛ از آن جمله می‌توان به ماجرای عزیر نبی (ع) اشاره کرد، وقتی خداوند جان عزیر (ع) را گرفت و پس از صد سال دوباره زنده کرد، خطاب به او گفت: ای عزیر! چه مدت در این بیابان توقف کرده‌ای؟ عزیر (ع) گفت: یک روز یا نصف روز خداوند فرمود: تو صد سال است که این جا هستی... و اینک ببین که خداوند چگونه اعضای پوسیده و متلاشی شدهٔ الاغ روا دوباره جمع‌آوری و زنده می‌کند؛ عزیر (ع) به چشم خود زنده شدن الاغ را دید و گفت: «می‌دانم که خدا بر هر کاری تواناست.» (ص ۵۱ درس ۴ دهم)

۵۵- گزینه «۳»

آثار و پیامدهای انکار معاد، گریبان کسانی که معاد را قبول دارند، امّا این قبول داشتن به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است، را نیز می‌گیرد. این افراد به دلیل فرو رفتن در هوس‌ها، دنیا را معبود و هدف قرار می‌دهند و از یاد آخرت غافل می‌شوند و از این رو، زندگی و رفتار آنان به گونه‌ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارد؛ یعنی مانند منکران معاد، در گرداب آلودگی‌ها فرو می‌روند. (ص ۴۵ درس ۳ دهم)

۵۶- گزینه «۲»

با توجه به آیهٔ شریفه ﴿یسأله من فی السماوات و الارض...﴾ جهان و همهٔ مخلوقات هر لحظه و پیوسته محتاج خداوند متعال هستند و این احتیاج همیشگی و دائمی و در هر آن است و این نیاز هیچ گاه قطع و یا کم نمی‌شود.

رد سایر گزینه ها:

رد گزینه ۱: همهٔ مخلوقات محتاج خداوندند نه فقط انسان‌ها.

رد گزینه ۳: فیض‌بخشی خداوند مشروط به درخواست پیوستهٔ آنان از خداوند نیست.

رد گزینه ۴: خداوند همواره دست‌اندرکار امور مخلوقات است و مشروط به مطالبه دائمی مخلوقات نیست. (ص ۱۰ درس ۱ دوازدهم)

۵۷- گزینه «۱»

اصلاح عبارات نادرست: در عبارت «ب» اگر خداوند را مدبر اصلی بدانیم و در عرض ربوبیت الهی برای انسان تدبیر قائل شویم، دچار شرک در ربوبیت شده‌ایم و در عبارت «ج»، تدبیر انسان در طول ربوبیت الهی است نه در عرض. (ص ۲۰ و ۲۲ درس ۲ دوازدهم)

۵۸- گزینه «۱»

دقت کنیم که جملهٔ «زنده شدن قیامت نیز همین گونه است» در انتهای آیهٔ ۹ سورهٔ فاطر آمده است که به امکان معاد جسمانی بر اساس نظام مرگ و زندگی در طبیعت اشاره دارد: «خداست که بادها را می‌فرستد تا ابر را برانگیزند. سپس آن ابر را به سوی سرزمینی مرده برانیم و آن زمین مرده را بدان [وسیله] پس از مرگش زندگی بخشیدیم، زنده شدن قیامت نیز همین گونه است.» گزینه‌های ۲ و ۴ مربوط به ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی است و گزینهٔ ۳ مربوط به ضرورت معاد در پرتو عدل الهی است. (ص ۵۶ درس ۴ دهم)

۵۹- گزینه «۲»

الف- بیت «خشک ابری که بود ز آب تهی...» دربارهٔ مقدمه دوم نیازمندی جهان به خدا در پیدایش است.

ب- سرچشمهٔ بندگی، آگاهی و افزایش خودشناسی است.

پ- این که انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، معرفتی عمیق و والاست که در نگاه نخست مشکل به نظر می‌آید. (ص ۷ و ۱۰ و ۱۲ درس ۱ دوازدهم)

۶۰- گزینه «۴»

با توجه به آیهٔ شریفه ﴿و قالوا ما هی الا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما یهلکنا الّا الدهر... ﴾ عامل هلاک‌کنندهٔ انسان «دهر» است: ﴿ما یهلکنا الا الدهر﴾ و نظر منکرین معاد دربارهٔ زندگی دنیایی این است که زندگی و حیات، محدود به همین زندگی دنیایی است و آخرتی وجود ندارد ﴿و قالوا ما هی الا حیاتنا الدنیا﴾: «کافران گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست.» (ص ۴۴ درس ۳ دهم)

۶۱- گزینه «۴»

این تصور که چند خدا وجود دارد و هر کدام خالق بخشی از جهان اند، یا با همکاری یکدیگر این جهان را آفریده اند، به معنای آن است که هر کدام از آن‌ها را محدود و ناقص هستند و به تنهایی نمی‌توانند کل جهان را خلق کنند.

همچنین به معنای آن است که هر یک از خدایان مذکور کمالاتی دارد که دیگری آن کمالات را ندارد وگرنه عین همدیگر می‌شوند و دیگر چند خدا نیستند، چنین خدایان ناقصی، خود، نیازمندند و هر یک از آن‌ها به خالق کامل و بی‌نیازی احتیاج دارد که نیازش را برطرف نماید و این موضوع استدلال عقلی برای اثبات توحید در خالقیت است. (ص ۲۱ درس ۲ دوازدهم)

۶۲- گزینه «۴»

بنابر حکمت الهی، اگر بناست با این همه استعداد و سرمایه‌های مختلفی که خداوند در وجود انسان قرار داده است، خاک شویم و معادی نباشد، آفرینش بیهوده و عبث خواهد بود و این موضوع در آیهٔ شریفه: ﴿افحسبتم انّما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لاترجعون﴾: «آیا گمان کرده‌اید که شما را بیهوده آفریدیم و شما به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟» مذکور است. (ص ۵۶ و ۵۷ درس ۴ دهم)

۶۳- گزینه «۳»

درک بیشتر فقر و نیاز و در نتیجه افزایش عبودیت و بندگی انسان مولود و نتیجهٔ افزایش خودشناسی انسان است، زیرا هر چه معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و ناتوانی و بندگی خود را بیشتر ابراز می‌کند.

افزایش خودشناسی ← درک بیشتر فقر و نیازمندی ← افزایش بندگی

برای همین است که پیامبرگرامی ما، با آن مقام و منزلت خود، در پیشگاه الهی، عاجزانه از خداوند می‌خواهد که برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذار نکند. (ص ۱۰ و ۱۱ درس ۱ دوازدهم)

۶۴- گزینه «۲»

پیامبران الهی، عاقل‌ترین و راستگوترین مردمان زمانه بوده‌اند، آنان با قاطعیت کامل از وقوع معاد خبر داده و نسبت به آن هشدار داده‌اند؛ همهٔ آنان پس از ایمان به خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده‌اند و آن را لازمهٔ ایمان به خدا دانسته‌اند، و صدق کلام الهی را به عنوان عاملی برای اثبات معاد مطرح کرده‌اند. (ص ۵۳ و ۵۴ درس ۴ دهم)

۶۵- گزینه «۲»

از رسول خدا پرسیدند: باهوش‌ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟ فرمود: «در آنان که فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.»

رسول خدا (ص) دربارهٔ مرگ می‌فرماید: «برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید، بلکه برای بقا آفریده شده‌اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر منتقل می‌شوید». (ص ۴۱ درس ۳ دهم)

۶۶- گزینه «۲»

توحید در ربوبیت بدان معنا نیست که موجودات، به خصوص انسان، نقشی در پرورش و تدبیر سایر مخلوقات ندارند، باغبانی که زحمت می‌کشد و به پرورش درختان و محصولات اقدام می‌کند، رشد این درختان و محصولات، نتیجهٔ تدبیر اوست، بلکه توحید در ربوبیت بدین معناست که باغبان و تدبیرش، همه از آن خدا و تحت تدبیر اویند و نمی‌توانند مستقل از خداوند تدبیر کنند. (ص ۲۰ درس ۲ دوازدهم)

۶۷- گزینه «۳»

وجود استعدادها و سرمایه‌های مختلفی که خداوند در وجود ما انسان‌ها قرار داده است، مؤید ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی است؛ زیرا اساس آفرینش انسان و جهان عبث و بی‌هدف نیست.

قرآن برای این که قدرت خداوند را به صورت محسوس‌تری نشان دهد، داستان عزیر نبی (ع) را ذکر می‌کند که مؤید ذکر نمونه‌هایی از زنده شدگان مردگان است.

قرآن کریم در آیات سوم و چهارم سورهٔ قیامت، خطاب کسانی که به انکار معاد می‌پردازند می‌گوید: « نه تنها استخوان‌های آن‌ها را به حالت اول در می‌آوریم بلکه سرانگشتان آن‌ها را نیز همان گونه که بوده، مجدداً خلق می‌کنیم» این آیه اثبات‌کنندهٔ قدرت الهی در خلق سرانگشتان دارد. (ص ۵۵ و ۵۶ درس ۴ دهم)

۶۸- گزینه «۴»

قرآن کریم با تأکید فراوان اعلام می‌کند: ﴿الله لا اله الا هو لیجمعنّکم الی یوم القیامة لاریب و من اصدق من الله حدیثاً﴾: «خداوند که هیچ خدایی جز او نیست قطعاً شما را در روز قیامت جمع می کند شکی در آن نیست و چه کسی راستگوتر از خداست؟»

این آیه به راستگویی و صادق‌القول بودن خداوند در اثبات وجود معاد و جمع‌آوری انسان در روز قیامت اشاره دارد. (ص ۵۳ درس ۴ دهم)

۶۹- گزینه «۱»

براساس آیهٔ ﴿الله نور السماوات و الارض... ﴾ خداوند نور هستی است؛ یعنی تمام موجودات، وجود خود را از او می‌گیرند و وجودشان به وجود او وابسته است (توحید در خالقیت) و شریک نساختن کسی در فرمانروایی خویش، مؤید توحید در ولایت است و این موضوع در آیهٔ شریفه: ﴿ما لهم من دونه من ولی و لایشرک فی حکمه احداً﴾: «آن‌ها هیچ ولی [سرپرستی] جز او ندارند و او در فرمانروایی خویش کسی را شریک نمی سازد» مشهود است. (ص ۱۱ و ۱۹ درس ۱ و ۲ دوازدهم)

۷۰- گزینه «۱»

از دیدگاه الهی، زندگی دنیوی همچون خوابی کوتاه و گذراست و زندگی حقیقی در جهان دیگر معنا می‌یابد، آن گونه که پیامبر (ص) می‌فرماید: «الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا»: «مردم [در این دنیا] در خوابند، هنگامی که بمیرند بیدار می‌شوند.»

قرآن نیز این گونه بر کم‌ارزش بودن زندگی دنیوی و حقیقی بودن زندگی آخرت تأکید می‌کند: ﴿و ما هذه الحیاة الدّنیا الا لهو و لعب و ان الدار الاخرةِ لهی الحیوان﴾: «این زندگی دنیا، جز سرگرمی و بازی نیست و سرای آخرت، زندگی حقیقی است». (ص ۴۱ و ۴۲ درس ۳ دهم)

۷۱- گزینه «۴»

در مصراع اول به «دل» به‌عنوان فطرت الهی اشاره دارد و از مصراع دوم می‌فهمیم که هر موجودی در حد خودش تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است. (ص ۱۱ درس ۱ دوازدهم)

۷۲- گزینه «۴»

در کلام پیامبر (ص) می‌خوانیم: «برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید، بلکه برای بقا آفریده شده‌اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر، منتقل می‌شوید» و این موضوع با آیهٔ شریفه: ﴿و انَّ الدار الاخرة لهی الحیوان﴾: «و سرای آخرت، زندگی حقیقی است» ارتباط معنایی دارد. (ص ۴۱ و ۴۲ درس ۳ دهم)

۷۳- گزینه «۳»

قرآن کریم در آیات ۷۸ و ۷۹ سورهٔ یس دربارهٔ پیدایش نخستین انسان می‌فرماید: «و برای ما مثلی زد در حالی که آفرینش نخستین خود را فراموش کرده بود. گفت: کیست که این استخوان‌های پوسیده را دوباره زنده کند...» و در آیهٔ سوم و چهارم قیامت، خطاب به کسانی که به انکار معاد می‌پردازند، می‌خوانیم: « نه تنها استخوان های آن ها را به حالت اول در می‌آوریم، بلکه سرانگشتان آن‌ها را نیز همان گونه که بوده مجدداً خلق می‌کنیم» به کلمات «حالت اول» و «مجدداً» در آیه توجه کنیم که به پیدایش نخستین انسان (خلق دوباره) اشاره دارد. (ص ۵۴ و ۵۵ درس ۴ دهم)

۷۴- گزینه «۳»

موارد (الف و ب و ج) از این آیه دریافت می‌گردد ولی مورد (د) از آیهٔ دیگری قابل برداشت است نه از این آیه. (ص ۴۲ درس ۳ دهم)

۷۵- گزینه «۳»

پیش‌بینی پاسخ مناسب برای نیازهایی مانند تشنگی و آب، مؤید ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی است و این موضوع در آیهٔ شریفه ﴿افحسبتم انّما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لاترجعون﴾ تجلی دارد. (ص ۵۶ و ۵۷ درس ۴ دهم)

Part A: Grammar and Vocabulary

۷۶- گزینهٔ «۳»

معنی جمله: «بسکتبال، جزء پایه و اساس کالج اسپرینگ‌فیلد است. این بازی در سال ۱۸۹۱ توسط استاد کالج اسپرینگ‌فیلد و جیمز نایس‌میث دانش‌آموز فارغ‌التحصیل شده، اختراع شد.»

توضیح: توجه کنید زمانی از گذشتهٔ ساده استفاده می‌کنیم که شروع و پایان عمل در گذشته باشد. در اینجا با توجه به قید ۱۸۹۱ گزینهٔ ۳ را انتخاب می‌کنیم.

۷۷- گزینهٔ «۳»

معنی جمله: «تصویرش، در نهایت تعجب روی صفحهٔ اول روزنامه پدیدار شد.»

توضیح: فعل "appear" به معنای «ظاهر شدن» لازم است، بنابراین نمی‌تواند به صورت مجهول نوشته شود. گزینه‌های ۱ و ۲ مجهول هستند و گزینه ۴ ناقص است.

۷۸- گزینهٔ «۱»

معنی جمله: «به نظر می‌آید که بیشتر مردم ایرانی از کوید۱۹ نمی‌ترسند، و این خبر بدی است.»

توضیح: در جای خالی نیاز به اسم داریم. اسم باید دارای شناسه باشد و در اینجا "the" به عنوان حرف تعریف هویت اسم را مشخص می‌کند. باید دقت کنید با توجه به فعل مفرد "seems" گزینهٔ ۴ نادرست است.

۷۹- گزینهٔ «۲»

معنی جمله: «جولی: شیر نداریم. جان: می‌دانم. قرار است وقتی این برنامهٔ تلوزیونی تمام شود بروم و بگیرم.»

توضیح: با توجه به "I know" تصمیم‌گیری از قبل گرفته شده است، بنابراین از "be going to" استفاده می‌کنیم.

۸۰- گزینهٔ «۱»

معنی جمله: «ما دفترچهٔ مربوط به تغذیه و تمرین را نوشتیم و مقدار غذایی که خوردیم را اندازه گرفتیم.»

معنی گزینه‌ها در حالت مصدری:

۱) نگه داشتن ۲) انجام دادن ۳) قرار دادن ۴) اندازه‌گرفتن

۸۱- گزینهٔ «۱»

معنی جمله: «رابرت جردن کتاب چرخ زمان را نوشت. یکی از مهم‌ترین و پرفروش‌ترین سری‌ها در تاریخ نشر فانتزی با چاپ بیش از ۱۴ میلیون نسخهٔ فروخته شده در آمریکای شمالی و فروش بی‌شمار در خارج از کشور.»

۱) بی‌شمار ۲) بعدی ۳) مذهبی ۴) عالی

۸۲- گزینهٔ «۴»

معنی جمله: «هنوز هم به یاد می‌آورم که سر میز شام نشسته بودیم و من مجبور بودم بروم. به سرویس بهداشتی رفتم و اشک ریختم. نتوانستم به تو بگویم راجع به چه چیزی آنقدر ناراحت بودم.»

۱) چشم ۲) مراقبت ۳) آغوش ۴) اشک

۸۳- گزینهٔ «۳»

معنی جمله: «یک دقیقه فکر کن، آیا واقعاً درست به نظر می‌آید که تو انگلیسی را تمرین کنی قبل از آنکه بدانی برای چه نیاز داری آن را یاد بگیری؟»

۱) (دو کلمه) به هم آمدن ۲) ارتقاء دادن ۳) به نظر رسیدن ۴) شناسایی کردن

۸۴- گزینهٔ «۴»

معنی جمله: «دیالوگ غیرطبیعی به نظر می‌آمد، احتمالا به خاطر این بود که ترجمه شده از روسی اصیل بود.»

۱) بالایی ۲) باستانی ۳) دست و دلباز ۴) غیرطبیعی

۸۵- گزینهٔ «۲»

معنی جمله: «او نمی‌تواند بیرون برود تا کار کند زیرا باید در خانه بماند و از مادر مسنش مراقبت کند.»

معنی گزینه‌ها در حالت مصدری:

۱) برگشتن ۲) مراقبت‌کردن ۳) فریاد زدن بر ۴) اهمین دادن

۸۶- گزینهٔ «۳»

معنی جمله: «ویروس کرونا پتانسیل این را دارد که از لحاظ فیزیکی زندگی همهٔ مردم سرتاسر دنیا را به خطر بیندازد.»

۱) زمان‌بندی کردن ۲) تولید کردن ۳) در خطر انداختن ۴) تلفظ کردن

۸۷- گزینهٔ «۴»

معنی جمله: «این یک قانون در زبان انگلیسی است که صفات عموماً قبل از کلمه‌ای که آن را توصیف می‌کنند می‌آیند.»

۱) پایه ۲) وب ۳) کلمه ۴) قانون

Part B: Cloze Test

ابوعلی سینا، به عربی ابن سینا، یک **پزشک** (۸۸) مسلمان و معروف‌ترین و اثرگذارترین فیلسوف جهانِ اسلام وسطی بود. او مشخصاً به خاطر **تخصصش** (۸۹) در زمینهٔ فلسفهٔ ارسطویی و **طبابت** (۹۰) شناخته شده بود. او کتاب شفا، یک دایرةالمعارف وسیع فلسفی و علمی و کتاب قانون را نوشت. ابوعلی سینا اولین خردمند اسلامی نبود. این **باور وجود دارد** (۹۱) که نویسندهٔ مسلمان، ابن المقفع، یا محتملاً پسرش، منطق ارسطویی را بیش از دو قرن قبل‌تر از ابوعلی سینا به جهان اسلام معرفی کرده بودند. ابویوسف کندی، اولین شخص مسلمان وابسته به فلسفهٔ ارسطو، و دانشمند ترک، فارابی، کسی که ابوعلی سینا متافیزیک ارسطویی را از کتابش آموخت، بر او مقدم بودند. **با این حال** (۹۲)، بین همهٔ این همه شخصیت‌های برجسته، باز هم ابوعلی سینا بهترین باقی مانده است.

۸۸- گزینهٔ «۴»

۱) رفتار ۲) قدرت ۳) بیانیه ۴) پزشک

۸۹- گزینهٔ «۳»

۱) اطلاعات ۲) مکالمه ۳) وقف ۴) پیشنهاد

۹۰- گزینهٔ «۲»

۱) عملکرد ۲) طبابت ۳) دیپلم ۴) شرح، حساب

۹۱- گزینهٔ «۱»

توضیح: فعل "believe" متعدی است و چون مفعول بعد از آن به کار نرفته است، وجه جمله مجهول است.

۹۲- گزینهٔ «۲»

۱) اگر ۲) با این حال ۳) به جای ۴) همچنین

Part C: Reading Comprehension

متن شمارهٔ ۱:

ما می‌دانیم که حیوانات می‌توانند ترس را احساس کنند. آن‌ها شاید عشق را نیز درک کنند چرا که با یکدیگر روابط مستحکمی دارند. پس آیا حیوانات احساساتی مشابه ما دارند؟ و آیا حیوانات حس شوخ‌طبعی دارند؟

طوطی سالی بلانکارد، بونگو ماری، با طوطی دیگر او، پاکو، سازش نداشت. در واقع مشخص بود که بونگو ماری اصلاً پاکو را دوست نداشت! یک روز، بلانکارد برای شام مرغ پخت. او شروع کردن به بریدن مرغ با چاقو. بونگو ماری بلند گفت :«اوه! پاکو!». بلانکارد خندید و گفت: «این پاکو نیست.» بونگو ماری گفت :«اوه .... نه.». این بار صدایش مایوس بود. و بعد طوطی به شوخی خود خندید.

جین دانلدسون از انجام یوگا لذت می‌برد و گربه‌اش بافی هم همینطور. وقتی جین در حالات یوگای خود می‌نشیدند، بافی عروسک‌هایش را به دقت روی بدن دانلدسون قرار می‌دهد. اگر عروسکی بیفتد، بافی می‌دود تا آن را سرجایش بگذارد. آیا این رفتار هیچ کارکرد واقعی‌ای دارد؟ به قول دانلدسون: «بافی فکر می‌کند این کار خنده‌دار است!»

آیا گربه‌ها می‌توانند بخندند؟ تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که گربه‌ها وقتی می‌خواهند بازی کنند به همدیگر می‌گویند. در چنین موقعیتی، آنها صدای ویژه‌ای یعنی یک جور «خنده» تولید می‌کنند. پاتریشیا سیمونتِ روانشناس این صدا را ضبط کرد. بعد آن را برای گربه‌های دیگر پخش کرد تا واکنش‌شان را ارزیابی کند. سیمونت می‌گوید: «همهٔ گربه‌ها به شکل مثبتی به این خنده پاسخ دادند.»

پس آیا حیوانات حس شوخ طبعی دارند؟ اگر خنده یک نشانه است، پس شاید جواب «بله» باشد!

		کلمات مهم			
humor	شوخ طبعی	hilarious	خنده دار	respond	پاسخ دادن
parrot	طوطی	assess	بررسی کردن	clue	نشانه
disappoint	ناامید کردن				

۹۳- گزینهٔ «۳»

کدامیک به بهترین شکل سازمانبندی‌ای را که متن از آن پیروی می‌کند توصیف می‌کند؟

۱) نویسنده ادعایی می‌کند، از آن حمایت می‌کند و بعد ادعایی تازه اضافه می‌کند.

۲) نویسنده سوالی می‌پرسد، مثال‌هایی می‌زند و دوباره برای تاکید بیشتر آن سوال را می‌پرسد.

۳) نویسنده پرسشی مطرح می‌کند، چند مثال می‌زدند و به آن سوال پاسخ می‌دهد.

۴) نویسنده سوالی می‌پرسد، اطلاعاتی حمایتی مطرح می‌کند و به سوال پاسخ می‌دهد.

۹۴- گزینهٔ «۴»

از اطلاعات آمده در بند سوم متوجه می‌شویم که وقتی جین تمرین یوگا می‌کند، ..... .

۱) بافی حالات یوگای جین را تقلید می‌کند

۲) بافی می‌فهمد جین چه کار می‌کند

۳) بافی این کار را می‌کند تا جین را بخنداند

۴) بافی از این فعالیت جین برای انجام کارهای خود سود می‌برد

۹۵- گزینهٔ «۱»

کدام واژه به لحاظ معنایی به لغت "assess" در بند چهار نزدیک‌تر است؟

۱) بررسی کردن
۲) قدردانی کردن
۳) حفاظت کردن
۴) پیروی کردن

۹۶- گزینهٔ «۱»

جین دانلدسون دربارهٔ کاری که بافی انجام می‌دهد چه فکری می‌کند؟

۱) به نظرش بامزه است.
۲) به نظرش شگفت‌انگیز است.
۳) به نظرش احمقانه است.
۴) به نظرش آزاردهنده است.

متن شمارهٔ ۲:

تیرانداز ماهر آنی اوکلِی نقطه اتکائی در فرهنگ عامهٔ غرب قدیم است. آنی که با نام فوبی آن موزِز در سال ۱۸۶۰ به دنیا آمد، در سن بسیار کمی تیراندازی را به خاطر نیاز آموخت. او پرنده‌ها و دیگر حیوانات کوچک شکار را برای کمک به تغذیه خانواده شکار می‌کرد و با تامین رستوران هتل محلی با شکارش کمی پول بیشتر درمی‌آورد. او خیلی زود به خاطر نشانه‌گیری فوق‌العاده‌اش شناخته شد و در سن کم شرکت در مسابقات تیراندازی را شروع کرد. برای یک دختر کم سال نه تنها شرکت در چنین مسابقات تیراندازی بلکه بردن رقبای آقای باتجربه‌تر و بزرگتر نیز به نسبت غیرعادی بود. او در سن ۱۵ سالگی فرانک باتلر، تک تیراندازی حرفه‌ای را در یک رقابت شکست داد. او و باتلر یک سال بعد ازدواج کردند و با هم در نمایش‌های تیراندازی شرکت کردند.

در سال ۱۸۸۵، این زوج به احتمالاً مشهورترین نمایش تمام غرب، نمایش گردشی بوفالو بیلز وایلد وست، ملحق شدند. به عنوان بخشی از نمایش، آنی به سیگاری که بیرون دهان شوهرش بود شلیک کرد؛ شرکت فرانک باتلر در این قسمت از اجرا مشخصاً اعتماد او به توانایی تیراندازی همسرش را نشان می‌داد. آنی همچنین از بین تماشاچیان داوطلب می‌پذیرفت و یک باری، حین گردش در اروپا، او حتی به سیگاری که بیرون دهان شاهزادهٔ ولیعهد ویلهلم آلمان بود شلیک کرد.

کلمات مهم					
mainstay	لنگر، نقطه اتکا	marksmanship	مهارت تیراندازی	act	نمایش، اجرا
folklore	فرهنگ مردم	Competitor	رقیب	demonstrate	نمایش دادن
shoot	تیراندازی کردن	defeat	شکست دادن	Volunteer	داوطلب
out of necessity	از سر نیاز	exhibition	نمایشگاه	Occasion	موقعیت
supply	تأمین کردن	Couple	زوج	tour	دور زدن، گشتن

۹۷- گزینهٔ «۲»

متن عمدتاً به کدام وجه از زندگی آنی می‌پردازد؟

۱) چه چیزی باعث شد او تیرانداز بهتری از خیلی‌های دیگر باشد

۲) او برای چه مشهور است

۳) لحظات خاص آنی در حرفه‌اش

۴) مهارت‌های گوناگون آنی (در شلیک) با تفنگ

۹۸- گزینهٔ «۱»

دربارهٔ رفتار شوهر آنی نسبت به او چه برداشتی از متن می‌توان کرد؟

۱) او ایمان داشت همسرش در تیراندازی خطا نمی‌کند.

۲) او آماده بود زندگی‌اش را برای او به خطر بیندازد.

۳) او به همسرش بسیار وفادار بود.

۴) او ایمان بسیار زیادی داشت به کاری که همسرش قادر به انجام آن بود.

۹۹- گزینهٔ «۴»

تمام موارد زیر دلایلی هستند که چرا آنی وقتی بسیار کم سال بود تیراندازی را آموخت به جز ..... .

۱) نیاز برای تهیه غذا برای خانواده‌اش

۲) وضعیت مالی خانواده

۳) کسب درآمد به هر اندازه‌ای که بتواند

۴) احساس اینکه تیراندازی برای محافظت لازم است

۱۰۰- گزینهٔ «۱»

کدامیک به بهترین شکل واژهٔ "supplying" را در بند اول توصیف می‌کند؟

۱) تأمین کردن ۲) فروختن ۳) مهیا کردن ۴) یافتن